

تدقیق توسعه گردشگری در بازآفرینی فرهنگ مینا (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر مینودری)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

امیر علی محمدی^۱ حسن ستاری ساربانقلی^{*۲} مهسا فرامرزی اصل^۳ محمدرضا پاکدل^۴

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، پردیس بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲- دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳- استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۴- استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده:

یکی از بهترین راه‌های نجات شهرها از مشکلات اجتماعی و اقتصادی، توسعه گردشگری شهری در بافت‌های تاریخی با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا است. در بازآفرینی فرهنگ مینا، عامل فرهنگ به عنوان یک راهبرد توسعه‌ای بسیار مهم در مقیاس محلی و جهانی مطرح است. ارتباط زیادی بین فرهنگ و توسعه گردشگری شهری وجود دارد. توسعه گردشگری به عنوان یک پدیده فرهنگی، گسترش دهنده فرصت‌های تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان است. شهر مینودر یکی از شهرهایی است که از نظر آثار ارزشمند تاریخی در بافت قدیم آن، با معماری غنی و ویژگی‌های منحصر به فرد در سطح کشور و جهان مورد توجه است. در این پژوهش، با رویکرد پیمایشی به برنامه‌ریزی توسعه گردشگری شهری با تأکید بر بازآفرینی فرهنگ مینا پرداخته شده است. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و با اتکا به مرور پیشینه تحقیق از سویی، بررسی اسناد مربوط به بافت تاریخی و مطالعات میدانی از سوی دیگر، به تحلیل مسئله می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که راهکار برون‌رفت از مشکلات و تجدید حیات بافت‌های تاریخی ارزشمند در گرو اجرای برنامه‌هایی است که بر راهبردها و سیاست‌های تعاملی بین بازآفرینی کالبدی و گردشگری فرهنگی شهری استوار بوده و در رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر حیات واقعی و مدنی شهری را تضمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، بازآفرینی، بافت تاریخی، مینودر

مقدمه

پرداختن به بازآفرینی فرهنگ مبنا و مرمت کالبدی شهرهای تاریخی در دوره‌های مختلف، با توجه به شرایط اقتصادی-اجتماعی با اهداف گوناگونی صورت گرفته است. در واقع بازآفرینی فرهنگ مبنا را می‌توان اصلی‌ترین رویکرد بازآفرینی شهری در دو دهه اخیر دانست. کاربست فرهنگ در جایگاهی راهبردی و با هدف دستیابی به سازوکارهای اقتصادی پررونق که می‌تواند متضمن اهداف توسعه‌ای باشد و چهره فرهنگ‌گرا برای شهرها ترسیم کند، رویه‌ای است که در چارچوب بازآفرینی شهرها به آن اهمیت داده می‌شود. بازآفرینی فرهنگ مبنا با طرح مفاهیم پایه‌ای مانند استفاده از حوزه‌های نوآورانه اقتصادی و آنچه صنایع خلاق نامیده می‌شود به این نکته اساسی می‌رسد که می‌توان دریافت‌های درونی و هسته‌های مرکزی شهرها، با اطمینان به نتایج فرایند بازآفرینی، از رهیافت فرهنگی و ویژگیهای مثبت آن در جهت توسعه گردشگری بهره جست. (لطفی، ۱۳۹۰: ۴۷) باز آفرینی که امروزه برای مداخله در امور شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد، دارای رویکردهایی است که در هر محدوده بسته به موقعیت و ویژگیهای آن محدوده از آنها استفاده می‌شود. از آنجا که در مناطقی که پیشینه تاریخی و فرهنگی از ویژگیهای بارز آنها محسوب می‌شود، فرهنگ بیش از پیش در اولویت قرار دارد. در واقع بازآفرینی شهری شکل کامل و جامعی از عمل و سیاست است و با تأکید بر اقدامات یکپارچه و نیاز به مشارکت مردم، سبب بروز ایده‌هایی در زمینه توانمندسازی بافت می‌شود. (لیچفیلد، ۲۰۰۰)^۱ تنوع و تعدد بافت‌های تاریخی و مؤلفه‌های گوناگونی که سبب ناکارآمدی بافتها می‌شود، از یکسو، و پتانسیل‌های بافت و چگونگی استفاده از آن و نیز شیوه‌های تصمیم‌سازی و مداخله علی‌رغم داشتن هدف واحد توسعه درون‌زای شهر از سویی دیگر، رویکردهای مواجهه با بافت‌های تاریخی و ارائه راه‌حل‌ها را متفاوت می‌کند. اگر بازآفرینی شهری را دیدگاهی جامع و یکپارچه بدانیم که به تحلیل مشکلات بافت شهری می‌انجامد و از طریق پیشرفت وضعیت اقتصادی، کالبدی، اجتماعی، و محیط زیستی سبب احیای همه‌جانبه بافت می‌گردد مفاهیمی نظیر "بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان‌بخشی" شهری را در بر خواهد گرفت. (رابرتز، ۲۰۰۳)^۲ بنابراین بازآفرینی شهری به عنوان اصلی‌ترین رویکرد مرمت و حفاظت شهری براساس تحلیل دقیق وضع یک منطقه هدف، تطابق هم‌زمان بافت کالبدی، ساختارهای اجتماعی، بنیان اقتصادی و وضع محیط زیست یک منطقه را دنبال می‌کند. در این پژوهش، از دیدگاه تعاملی «حفاظت از عناصر با ارزش تاریخی» و «توسعه گردشگری فرهنگی شهری»، راهبردهای بازآفرینی استخراج و به عنوان سند هدایتگر معرفی می‌شود.

مینودر یکی از شهرهای تاریخی کشور است که در آن ۴۳۸ هکتار بافت قدیمی و تاریخی وجود دارد که تقریباً یک در صد بافت قدیمی کشور را شامل می‌شود. و به عنوان یکی از شهرهای تاریخی کشور، جاذبه‌های زیادی در بخش گردشگری دارد و هر ساله گردشگران زیادی را در آثار تاریخی خود پذیرا می‌شود و از لحاظ تعدد آثار تاریخی مقام اول کشور و دومین شهر در جهان می‌باشد؛ اما عدم سرمایه‌گذاری مناسب برای جذب گردشگر باعث شده تا این شهر آن طور که باید شناخته نشود. با وجود ظرفیتهای بسیار در حوزه گردشگری شهری هنوز در این بخش از گردشگری از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده و نتوانسته درخور

¹ Lichfield.(2000)

² Roberts.(2003)

ظرفیت‌های موجود یک شهر که عنوان پایتخت سلسله صفویان را داراست ایفای نقش نماید. لذا برنامه‌ریزی در این زمینه نیازمند تعامل دستگاه‌های مختلف شهری است. بنابراین مسئولین شهری می‌تواند از این فرصت استفاده کنند تا با استفاده از تجارب سایر کشورها در این زمینه، برنامه‌ریزی سفرهای کوتاه مدت و بلند مدت درون شهری را فراهم نمایند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در برنامه‌ریزی‌های گردشگری مبتنی بر فرهنگ با توجه به پتانسیل و ظرفیتهایی که وجود دارد حوزه گردشگری این شهر مغفول مانده است. لذا یکی از تأکیدات اصلی جهت توسعه گردشگری شهری می‌تواند بازآفرینی فرهنگی شهر یا توسعه بازآفرینی فرهنگ مبنا باشد. بازآفرینی فرهنگ مبنا نیز با هدف قرار دادن فرهنگ به منظور تسهیلگر در پی زیست پذیر کردن شهر برای شهروندان می‌باشد. اهداف بازآفرینی فرهنگ مبنا، اشاعه گردشگری فرهنگی، افزایش میزان بهره‌برداری مفید از فضاهای شهری، ارتقاء وجهه یا تصویر شهری، جذب سرمایه‌گذاران و کاستن از حجم صدمه‌رسانی به محیط شهری است. بنابراین اهداف مقاله حاضر به قرار ذیل تعیین می‌گردد:

- ۱- خط سیر بهسازی و نوسازی شهری در تعیین جایگاه بازآفرینی فرهنگی در امر حفاظت از میراث و توسعه بافت‌های تاریخی.
- ۲- شناخت گردشگری فرهنگی به عنوان عامل مهمی در بازآفرینی‌های تاریخی.
- ۳- شناسایی شاخص‌های توسعه گردشگری و تدوین راه‌کارهایی برای تجدید ساختار کالبدی و فضایی مرکز تاریخی شهر مینودر.

۱- پیشینه پژوهش

در طی سالیان گذشته مطالعات نظری و عملی متعددی پیرامون برنامه‌ریزی بازآفرینی بافت‌های تاریخی با محوریت توسعه گردشگری فرهنگی انجام پذیرفته است. از اوایل قرن بیستم، نظریات بازآفرینی شهری، منجر به پدیداری رویکردها و سبک‌های جدیدی در مواجهه با میراث معماری و شهری شد که پژوهش‌های بسیاری را در نقاط مختلف جهان در پی داشت. گام‌های نخستین در خصوص احیای بافت قدیم شهرها در راستای توسعه گردشگری را باید در اروپای غربی، به ویژه در کشورهای فرانسه و انگلیس، به دلیل آغاز انقلاب صنعتی در آنها (دوره ۱۸۳۰-۱۷۶۰) و گسترش شهرنشینی پس از آن جست و جو کرد که به سابقه زیاد شهرها در این گونه کشورها، نسبت به کشورهای دیگر منجر شد. (پورا احمد، ۱۳۸۹: ۷۴) در واقع جنبش احیای مراکز شهری بیش از ۱۵۰ سال در این کشورها سابقه دارد. این جنبش با فعالیت بارون. جی. هوسمان، شهردار وقت پاریس، برای نوسازی مرکز این شهر در دهه ۱۸۵۰ آغاز شد و با طرح لوکوربوزیه (۱۹۶۵-۱۸۸۷) با عنوان شهر درخشان در دهه ۱۹۲۰، که خواهان فدا کردن بخش قدیمی پاریس با روش جایگزینی بناهای عظیم بود اجرا و وارد مرحله جدیدی شد. (رهنما، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰) این در حالی است که در ایران، دگرگونی‌های شهرها از دوران پهلوی آغاز شد. به گفته دیگر، انقلاب صنعتی با ایجاد تغییرات اساسی در روابط تولیدی و اجتماعی و بازسازی‌های پس از جنگ جهانی دوم، اساس این دگرگونیها در غرب بود. (ابلقی، ۱۳۸۰: ۱۱۴) نخستین نگرشها به بافتهای قدیمی در ایران، در سال ۱۳۵۰ در نخستین گردهمایی مرمت بناها و شهرهای تاریخی شکل گرفت که در آن، مسئله حفاظت و مرمت شهرها و بناها به

عنوان عامل مؤثر در توسعه گردشگری کشور مطرح شد لذا در خصوص بازآفرینی فرهنگی در بافت تاریخی شهرها در ایران و جهان، پژوهش‌های مهمی انجام شده که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

❖ (فدایی نژاد، ۱۳۹۱)، در بحث مؤلفه‌های فرهنگی و تأثیر آنها در جذب گردشگری باید به این نکته توجه داشت که تمامی مؤلفه‌های فرهنگ تأثیر یکسانی در جذب گردشگران برای یک ناحیه ندارند. چرا که از اصلی‌ترین و مهمترین انگیزه‌های سفر مردم، فرهنگ است و گردشگری موجب تأثیر فرهنگی بر بازدیدکننده و میزبان دارد.

❖ (زارع اشکذری و همکاران، ۱۳۹۵)، معتقدند گردشگری فرهنگی یا میراثی، ابزاری از توسعه اقتصادی است که از طریق جذب بازدیدکنندگان از خارج از جامعه میزبان به سمت جاذبه‌های تاریخی و میراثی مقصد، به رشد اقتصادی منجر می‌شود.

❖ شبانی و ایزدی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان رویکردی نوین به بازآفرینی شهر خلاق معتقدند. در بحث تحول بازآفرینی شهری، داستان تعامل و گاه تضاد اولویت‌های اقتصادی و فرهنگی مطرح شده و نقش فرهنگ در بازآفرینی شهری نسبت به دیگر عوامل تغییر معناداری داشته است.

❖ معینی (۲۰۲۰)^۱، در پژوهشی به بررسی نقش گردشگری در توسعه و فراز و فرود معماری و بافت پرداخته که نتایج آن همراه با تولید و مبتنی بر ساختار بومی هست.

❖ شارپلی (۲۰۱۰)^۲، در پژوهشی به بررسی گردشگری و ابعاد فرهنگی هدفمند پرداخته است. هرچند در این مورد گردشگران احیاء بافت تاریخی را تنها عامل جذب معرفی کرده‌اند.

پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد پژوهشی با عنوان برنامه‌ریزی توسعه گردشگری شهری با تأکید بر بازآفرینی فرهنگ مبنا در کشور هم خیلی کم صورت گرفته است. بنابراین این خلاء پژوهشی به خصوص در بخش برنامه‌ریزی گردشگری فرهنگی احساس می‌شود. برخی از پژوهش‌ها صرفاً به ابعاد کالبدی و زیرساختی بازآفرینی تأکید کرده‌اند، برخی به آداب و رسوم اشاره کرده‌اند. اما چگونگی بهره‌برداری و استفاده از این ظرفیتها در غالب برنامه عملیاتی مشخصی بیان نشده است. لذا این پژوهش سعی دارد برنامه عملیاتی از بهره‌برداری از این ظرفیت‌های فرهنگی موجود در منطقه مورد مطالعه را ارائه دهد.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

انتخاب شهر مینودر از این نظر برای ما حایز اهمیت است که این شهر دارای آثار تاریخی متعدد و شاخص جهت جذب گردشگران داخلی و خارجی بوده و این آثار به عنوان یک مجموعه فرهنگی، اقتصادی و مسکونی، تفریحی مورد توجه شهرسازان و جغرافی دانان قرار گرفته است. این شهر از نظر تجاری، میراثی فرهنگی و جاذبه‌های توریستی، شبکه ارتباطی و بالاخره سکونتگاهی و کالبدی از ارزش‌های بسیار بالایی برخوردار بوده که مطرح کردن آنها در چنین مطالعاتی ضرورت دارد.

1 Moeini.(2020)

2 Sharply.(2010)

۳- مبانی نظری

۳-۱- بافت تاریخی شهری

گستره‌ای هم‌پیوند است که از بناها، راه‌ها، مجموعه فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری و یا ترکیبی از آنها تشکیل شده باشد. (مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ۸۴/۳/۱۶). و یا آن بخش از بافت‌های شهری را شامل می‌شود که قبل از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی شکل گرفته ولیکن به دلیل فرسودگی کالبدی و فقدان استانداردهای ایمنی، استحکام و خدمات و زیرساخت‌های شهری علیرغم برخورداری از ارزش‌های هویتی منزلت مکانی و سکونتی پایین برخوردارند. مداخله در این گونه بافت‌ها با سایر بافت‌های شهری متفاوت بوده و اقدامات از نوع بهسازی، روان‌بخشی و نوسازی خواهد بود که در قالب طرح‌های ویژه به اجرا در خواهد آمد و نیز دارای ویژگیهای خاصی است که در جدول (۱) اختصاراً بیان می‌گردد.

جدول (۱): ویژگی بافت تاریخی در شهر مینودر

ردیف	ویژگی کالبدی بافت	ردیف	ویژگی‌های عملکردی بافت
۱	بافتی است قدیمی و با هویت.	۱	بافت قدیم محله از عهده پاسخ به نیازهای ساکنین بر نمی‌آید.
۲	گسست هسته تاریخی محله با ایجاد مسیرهای ارتباطی.	۲	کاهش حس تعلق به مکان در محله.
۳	فرسودگی بیش از حد بعضی از ساختمان‌های واقع در بافت و وجود ساختمان‌های مخروبه.	۳	پایین بودن متوسط تعداد طبقات و مقیاس انسانی بافت
۴	عدم وجود پارکینگ به اندازه کافی.	۴	معابر نامناسب و تنگ و باریک
ردیف	ویژگی اقتصادی و اجتماعی بافت	ردیف	ویژگی‌های زیست محیطی بافت
۱	قسمت مرکزی محل تجمع افراد بی‌خانمان و نابه‌هنجار.	۱	بروز انواع آلودگی‌های صوتی در بافت به سبب تداخل پیاده و سواره.
۲	بالا بودن نرخ بیکاری و گسترش فقر و بی‌سوادی.	۲	وضعیت نامناسب زیرساخت‌های شهری.
۳	مهاجرت جمعیت از بافت.	۳	پوشش گیاهی در حیاط‌های منازل
۴	پایین بودن سطح بهداشت عمومی	۴	ناکارآمدی شبکه تأسیسات شهری.

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

۳-۲- گردشگری

سازمان جهانی گردشگری با توجه به تمامی تعاریف گردشگری که تا قبل از سال ۱۹۹۴ ارائه شده بودند در سال ۱۹۹۵ یک تعریف نهایی منتشر کرد:

“مجموعه فعالیتهای فرد یا افرادی که به مکانی غیر از مکان عادی زندگی خود مسافرت و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آنجا اقامت می‌کنند و هدف از مسافرت آنان نیز گذراندن اوقات فراغت است. البته اهدافی نظیر اشتغال و کسب درآمد شامل آن نمی‌شود” بر این اساس کسانی که شامل این تعریف می‌شوند نیز گردشگر نامیده می‌شوند.

۳-۳- بازآفرینی

واژه (Regeneration) به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن بوده و همچنین در تعریف این عبارت گفته می‌شود که به معنای بازتولید طبیعی، بخشی از یک تمامیت زنده می‌باشد که در معرض نابودی قرار گرفته است. (لطفی، ۱۳۹۰: ۷۹) (کوچ، ۱۹۹۳)^۱ این جایگزینی را چنین بیان می‌نماید: "بازآفرینی شهری از آرمانها و دستاوردهای نوسازی شهری که به صورت فرآیندی از تغییرات کالبدی اساسی دیده می‌شود و تجدید حیات شهری که هرگاه نیاز به اقدام را پیشنهاد می‌دهد، در تدقیق یک رویکرد باشکست مواجه می‌گردد، بسیار فراتر حرکت می‌کند."

(رابرتز، ۲۰۰۳) در مقدمه کتاب بازآفرینی شهری یکی از جامع‌ترین نگرشها را در تعریف بازآفرینی ارائه نموده است: بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگیهای اصلی فضایی (کالبدی و فعالیت) منجر می‌گردد.

۳-۴- بازآفرینی فرهنگ مبنا

فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی، همواره به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از مناسبات شهر محسوب شده و هر شهری با فرهنگ و بارزهای فرهنگی مختص به خود، شناخته می‌شده است (لطفی، ۱۳۹۰: ۷۶).

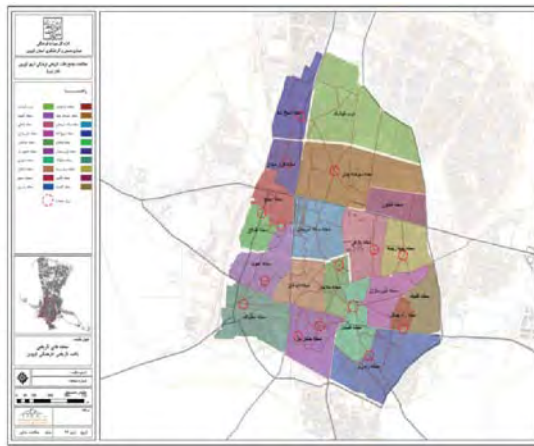
۴- معرفی اجمالی از محدوده مورد مطالعه

تاریخ سرگذشت و پیشینه آباء و اجداد انسانهاست. بستری که سازنده تمدن بوده و مایه تفاخر در زمان حال است. شناخت تاریخ هر سرزمین به منزله گام آغازین در آشنایی با فرهنگ آن سرزمین و همچنین ابزاری برای استفاده از تجربیات پیشینیان می‌باشد. به این سبب مطالعات تاریخی به عنوان زیربنا و بن‌مایه مطالعات دیگر محسوب می‌گردد. در این راستا به منظور گام نهادن در بستر مطالعات، لازم به نظر می‌رسد که پیشینه تاریخی محدوده مطالعاتی به

صورت اجمالی معرفی گردد. از میان شهرهای ایران شهر مینودر یکی از شهرهایی است که از نظر آثار ارزشمند تاریخی در بافت قدیم آن، با معماری غنی و ویژگی‌های منحصر به فرد در سطح کشور و جهان مورد توجه است. بافت تاریخی با دارا بودن مشکلاتی چون فرسودگی، عرض کم معابر، مهاجرت ساکنین بومی و... دارای نکات ظریف و مهمی است که مسئله احیای آن بر سر دو راهی تخریب و مرمت قرار گرفته است. آنچه مهم است یافتن تعادل بین دو گزینه نوگرایی و سنت گرایی است. شهر مینودر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، دارای جمعیتی معادل ۵۶۶۷۹۳ نفر می‌باشد. این شهرستان خود به شهرهای اقبالیه، رازمیان، سیردان، کوهین، قزوین، محمودآباد نمونه و معلم کلایه تقسیم می‌شود که از این تعداد، جمعیت شهر مینودر برابر ۳۸۱۵۹۸ نفر می‌باشد.

¹ Couch(1990)

² Roberts, Peter W. & Huge skyes, (2003)



تصویر(۱): نقشه تقسیمات محلات بافت تاریخی مینودر

ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی مینودر

۵- روش پژوهش

روش تحقیق تفسیری است و با مرور ادبیات تحقیق در زمینه‌های بازآفرینی و گردشگری سعی در تبیین نقش فرهنگ در تعامل بین آنها دارد. در بخش مورد مطالعه با استفاده از برداشت‌های میدانی و تحلیل اسناد و طرح‌های فرادست و سایر منابع در دسترس، به کاستی‌های موجود در احیای بافت قدیم و ظرفیت‌های گردشگری شهر تاریخی مینودری می‌پردازد. در مرحله ترکیب اطلاعات نظری و مورد مطالعه، راهبردهای مبتنی بر اصل رویکرد حفاظت و احیاء در بافت تاریخی شهر مینودری ارائه شده است.

۶- بحث و یافته‌ها

۶-۱- باز آفرینی شهری و تعیین جایگاه "فرهنگ"

به علت وجود تعاریف متنوع و متغیر از فرهنگ، تعریف گردشگری فرهنگی نیز دشوار است. ریموند ویلیامز (۱۳۹۶) نظریه پرداز فرهنگی، واژه فرهنگ را در کتاب جامعه‌شناسی فرهنگ، یکی از پیچیده‌ترین واژگان زبان انگلیسی می‌داند که دربرگیرنده "هنر و یادگیری" و "شیوه کلی زندگی" مردم است؛ یعنی، فرهنگ با گذشته و سنن ترجمانهای خلاق، سبک زندگی و آداب و عادات مردمان مرتبط است. بسیاری از گردشگران، همان اندازه که به فرهنگ مردمان مختلف علاقه‌مند هستند به سایت‌های تاریخی، بناهای یادبود، موزه‌ها و نگارخانه‌ها نیز علاقه دارند. بسیاری از گردشگران فرهنگی علاقه خاصی به مکانها و اصالت تجارب فرهنگی دارند. برای نمونه، (اسمیت، ۲۰۰۷)^۱، بین پساگردشگران و گردشگران فرهنگی تمایز قائل می‌شود و نتیجه می‌گیرد که گردشگران فرهنگی به تعاملات واقعی با اجتماعات محلی و سنن آنها علاقه بیشتری دارند. گردشگری فرهنگی را می‌توان سفری توصیف کرد که در بطن آن، گردشگر خود را یک ماجراجو یا کاوشگر می‌یابد. این موضوع بالاخص در گردشگری بومی و قومی مشهود است. پیوند فرهنگ و

¹ Smith, M. (2007)

شهر ایده تازه‌ای نیست. (لوییس مامفورد، ۱۹۳۸)^۱ در کتاب فرهنگ شهرها نشان داد: شهر مکانی است که پیچیدگی فرهنگ در آن نمایان می‌شود. شهر ظرف یا مخزن یا امکان به خصوصی است که پیامها را دریافت، ذخیره و منتقل می‌کند. می‌توان گفت که "شهرنوعی سازمان یافتگی اجتماعی در فضا است که باید آن را تولید کننده دائم فرهنگ و بهترین بستر برای فرهنگ سازی به حساب آورد". نهادینه شدن «رویدادهای فرهنگی»، نقش مؤثری در تثبیت رویکرد «بازآفرینی شهری» داشته و به عنوان عاملی برای حفاظت از میراث ارتقای کیفیت محیطی، مرمت و بازآفرینی ساختار کالبدی، طراحی‌های جدید و هماهنگ با ساختار قبلی و ورود به کارکردهای نو به ساختارهای جدید تبدیل شده است. در بازآفرینی فرهنگی، عامل فرهنگ به عنوان یک راهبرد توسعه‌ای بسیار مهم در مقیاس‌های محلی و جهانی مطرح است. (بورداتال، ۱۹۹۳)^۲ شهرهای اروپایی هم‌زمان با دگرگونی‌های اقتصادی در شهرها، فرهنگ را به عنوان ابزار و سرمایه مادی یک شهر مورد توجه قرار دادند. (بنچینی و پارکینسون، ۱۹۹۳)^۳ اما از دهه ۱۹۹۰، انگاره «بازآفرینی فرهنگ مبنای». استفاده از «سرمایه‌های فرهنگی» به عنوان گزینه‌ای موفق در عرصه «مرمت و حفاظت شهری» مطرح شده است. (کرنس و فیلو، ۱۹۹۳)^۴ در این رویکرد، فرهنگ به عنوان عامل تسهیل‌گر و نیروی محرکه بازآفرینی معرفی می‌شود. استفاده از رویدادهای فرهنگی، و ایجاد «شهر - فرهنگ» و «شهر - رویداد» (بورگل، ۲۰۰۰)^۵، که عوامل «خاطره‌ساز»، و «خاطره‌های جمعی» مقش مهمی می‌یابد و شهر مکان دائمی «انواع نمایش»ها و فعالیت‌ها می‌گردد و با ایده‌های دیگر در ارتباط است. (لاندری، ۱۹۹۵)^۶ در بازآفرینی فرهنگ، مبنای فعالیت‌ها و پروژه‌های توسعه فرهنگی سازگار با بافت تاریخی از یک سو و مرمت و حفاظت از میراث شهری از سوی دیگر، توأماً مورد تأکید قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، مفهوم «توسعه» با مفهوم «میراث» همراه است. در این دیدگاه، از «میراث» به عنوان «ثروت» یاد می‌شود، تا جایی که تکیه بر «ثروت اجتماعی» و حفاظت از «میراث طبیعی» توأمان در نظر گرفته می‌شود. (اسمیت، ۲۰۰۰)^۷ به منظور اجرای اقدامات کالبدی در پروژه‌های بازآفرینی، تعیین مقیاس فضایی - کالبدی مهم تلقی می‌شود. این امر سبب بازتعریف عرصه حضور فرهنگ در شهر به عنوان محدوده‌های فرهنگی می‌شود. (مونت گامری، ۲۰۰۳)^۸ بدین ترتیب، بازآفرینی فرهنگی در بسط دادن مفهوم بازآفرینی تعریف عرصه‌ها و محدوده‌های فرهنگی از اهمیت زیادی می‌تواند برخوردار باشد. بافت تاریخی و درونی شهرها به بحاظ دارا بودن قدمت، میراث کالبدی، زمین‌های مناسب با عملکردهای فرهنگی به عنوان مهم‌ترین بستر کالبدی - فضایی بازآفرینی فرهنگی محسوب می‌شود. رویدادهای فرهنگی نیز بستر مناسب کالبدی - عملکردی را فراهم می‌سازد. می‌توان گفت: هدف بازآفرینی فرهنگی این است که به طور فزاینده عملکرد راهبردی سیاست فرهنگی در توسعه اقتصادی شهری، بازاریابی شهری و نوسازی شهری را آشکار کند. در ادبیات علمی، ایده بازآفرینی فرهنگ مبنای به عنوان یک مفهوم سیاسی از اواخر ۱۹۸۰ به وجود آمد. در

¹ L. Momford, (1938)

² Bird, J. (1993)

³ Bianchini, F. and Parkinson, M. (1993)

⁴ Kearns, G. and Philo, C. (eds) (1993)

⁵ Burgel, G. (2000)

⁶ Landry, Ch. (1995)

⁷ Smith, M. (2000)

⁸ Montgomery, J. (1998)

طول دهه ۱۹۹۰ بر بعد «فرهنگی» بازآفرینی شهری تأکید شد که به طور مشخص از طریق دو شیوه عمل کرد: طراحی شهری (از جمله معماری) و هنر عمومی. به طوری که بیانیه رنسانس شهری شورای هنر بریتانیا (۱۹۸۹) به عنوان یک سند حمایتی درباره نقش هنر در بازآفرینی، استدلال خود را با صراحت اقتصادی این گونه طرح کرد که هنر امکانات رفاهی، جذب گردشگر، افزایش اشتغال، افزایش هویت و غرور جامعه را سبب می‌شود. هنر عمومی، کاندید فرهنگی مناسب برای دخالت در بازآفرینی شهری است. سهم فرهنگ در بازآفرینی، با مرور شواهد و تجربیات شامل طرح سه صف کاملاً متمایز بین فرهنگ و بازآفرینی شهری است که عبارت‌اند از:

❖ فرهنگ و بازآفرینی

❖ بازآفرینی فرهنگی

❖ بازآفرینی فرهنگ مبنا

فرهنگ و بازآفرینی نه به شکل یک پروژه فرهنگی کامل، بلکه به سادگی در بعضی سطوح فعالیت‌های فرهنگی به کار گرفته می‌شوند. استفاده از امکانات یا رویدادهای پراکنده و کوچک مقیاس فرهنگی به عنوان حرکت‌هایی نه چندان مرتبط با بدنه اصلی و جان‌مایه بازآفرینی شهری است. به عبارت دیگر، در این نگاه بازآفرینی با رویکرد اصلی آبادگری، فرهنگ را نوعی کاربری بیان می‌کند که در چارچوب برنامه‌ریزی شهری، می‌تواند سطوحی را به خود اختصاص دهد. در بازآفرینی فرهنگ مبنا، فرهنگ به عنوان کاتالیزور و موتور بازآفرینی است. بازآفرینی فرهنگ مبنا ممکن است یک پروژه بازآفرینی باشد که توسط یک پروژه هنر، بر محور یک ساختمان تاریخی کلید خورده که اهمیتش در طراحی یا معماری یا در یک مجموعه شهری ساخت یافته به عنوان یک پروژه هنری عمومی باشد. در این رویکرد، رویدادمرداری محوریت بازآفرینی را تشکیل می‌دهد و رویدادهای فرهنگی، جنبه اقبال عمومی بسیاری دارند. در جریان بازآفرینی فرهنگ مبنا، معمولاً مجموعه‌ای از بناها به منظور استفاده‌های عمومی و در زمینه طراحی یا استفاده دوباره به کار گرفته می‌شوند. از فضاهای شهری استفاده‌های تازه‌ای صورت می‌گیرد و رویدادها و فعالیت‌های جدیدی که می‌تواند در آینده موجب شهرت و محبوبیت مکان‌ها شود، پیشنهاد می‌شود (لطفی، ۱۳۹۰: ۵۱).

یکی از دستاوردهای بازآفرینی فرهنگ مبنا، ایجاد تعهد در جهت فعال شدن نهادهای فرهنگی در ساخت و سازهای شهری است. مفهوم‌سازی دیگر، فعالیت‌های دوباره و تسهیلات فرهنگی در قالب زیرساخت‌های فرهنگی منسجم است مانند آنچه ایوانز در مطالعه خود نشان داده که درجه‌ای از برنامه‌ریزی فرهنگی با الزامات بازآفرینی همپوشانی دارد که به توسعه اولیه بازآفرینی فرهنگ مبنا منجر شده و به معرفی یک چارچوب مفهومی که در آن خدمات فرهنگی به مسائل سیاسی و اجتماعی شهری گسترده‌تر تبدیل شده است، می‌پردازد.

دومین دستاوردهای بازآفرینی فرهنگ مبنا، ظهور مفهوم نام تجاری شهر و کمک به ارتقای درک تصویر یا «برند» شهر است در حالی که به عنوان یک اصطلاح، نام تجاری شهر تا اواخر ۱۹۹۰ به طور کامل انتشار نیافته بود؛ بنابراین، مفهوم اساسی نام تجاری در میان مقامات محلی و در قالب بازآفرینی فرهنگ مبنا ظهور کرد، چیزی که به ایجاد چارچوبی مفهومی منجر شد و در آن یک مفهوم جامع‌تر از شهر ارائه شد که در قالب سیاست آگاهانه شهری روی تسهیلات فرهنگی به عنوان دارایی‌های سرمایه‌ای دوباره، سرمایه‌گذاری

شد. در نتیجه، نیاز به سرمایه‌گذاری موضوع یک بحث معتبر شد. بنابراین، سیاست‌گذاران شهری به دنبال راهکارهای احیای مراکز شهری اصطلاح جدید «سرمایه‌گذاری فرهنگی» مطرح کردند و در این راستا سیاست کالا شدن فرهنگ و سنجش بازده مورد انتظار از سرمایه‌گذاری در موزه‌ها، حوادث، تئاتر و صنایع خلاق در قالب سود، شغل و بازسازی فیزیکی در مراکز تاریخی شهرها را در پیش گرفتند. در سال ۱۹۹۷، معمار آمریکایی فرانک گری یک کمیسیون برای بنیاد گوگنهایم سلومان آمریکا - یک موزه در بیلباتو است - تشکیل داد. (مدیلتون و فرستون، ۲۰۰۸).^۱

سومین دستاوردهای بازآفرینی فرهنگ مبنای سرمایه‌گذاریست که به دنبال بازآفرینی شهری به فعال شدن یک بخش از هنر و مشاوره فرهنگی منجر می‌شود که به طور مستقیم به ارائه سیاست مکمل ادامه می‌دهد. علاوه بر بخش فرهنگی، ممکن است با ترویج فضای خلاقیت و کارآفرینی فردی، به توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط، به عنوان یک سرمایه اجتماعی به صورت محلی تبدیل شود و همچنین می‌تواند به اثر روانی در شهر منجر شود؛ به طوری که اعتماد به نفس و غرور مدنی در میان جمعیت و حتی خوشبینی در میان سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. اشاعه گردشگری فرهنگی به عنوان ابزاری کارآمد در امر «حفاظت از میراث» و «توسعه» در بافت‌های تاریخی می‌تواند به عنوان راه‌حلی برای بازآفرینی فرهنگی محسوب شود که با توجه به ویژگی‌های بافت تاریخی و پتانسیل گردشگری بافت تاریخی قزوین به آن پرداخته می‌شود. (امین زاده و دیگران، ۱۳۹۱)

۶-۲- تدقیق توسعه گردشگری با بازآفرینی فرهنگی

بازآفرینی شهری، به منزله روایتی فراگیر و یکپارچه از مرمت شهری، جریانی است که از یک سو به تمامی وجوه و محدودیت‌های امر توسعه در بطن شهر موجود توجه می‌کند و از سوی دیگر، به تدارک فرصت و استفاده از هر فرصتی برای تبدیل ساختن آن به ابزار یا راهی برای رسیدن به توسعه فرهنگی می‌پردازد (لطفی، ۱۳۹۰ : ۵۰). علاوه بر دیدگاه بازآفرینی شهری به عنوان اصلی‌ترین رویکرد مرمت و حفاظت شهری براساس تحلیل دقیق وضع یک منطقه هدف، تطابق همزمان بافت کالبدی، ساختار اجتماعی، بنیان اقتصادی و وضع محیط زیست یک منطقه، موجب احیای همه جانبه بافت می‌شود (فرجی ملایی، ۱۳۸۹ : ۱۴). در این دیدگاه از این واقعیت که شهرها برای دوره‌های طولانی، عرصه‌های تولید فرهنگ و بسترهای نوآوری‌های فرهنگی بوده‌اند و ذائقه هنری، سلیقه و گرایش به انواع مُد (اسلوبگرایی)، در آن‌ها تکوین یافته، بهره‌برداری شده است. از آن جایی که علیرغم تغییر بسیاری از سازوکارهای اقتصادی، جریان ایجاد ذائقه و تغییر مُد، بیش از همیشه در آن‌ها حضور دارد و بر امکان استفاده از همین نقش تاریخی به عنوان راهبردی اساسی در ادامه حیات شهرها، تأکید شده است. (لطفی، ۱۳۹۰ : ۴۹). احیای ساختارهای کهن، برجسته‌سازی مکان‌ها و بازتولید خاطرات جمعی و کانون‌های تعلق خاطر، از جمله اولین اقدامات برای ایجاد کشش ذهنی به سمت محیط‌های تاریخی است که مقوله‌ای وسیع و پدیده‌ای نوظهور به نام گردشگری فرهنگی را مطرح می‌سازد. توجه به ترجیح گردشگران در جست‌وجوی مکان‌های منحصر به فرد، لزوم حفاظت از آثار فرهنگی و تاریخی و توجه به آثار مثبت رونق اقتصادی گردشگری، بستر ساز تقویت موضوع گردشگری فرهنگی است. نتایج حاصل

^۱ Middleton, C. and Freestone, P. (2008)

از مطالعات صورت گرفته نشان‌دهنده نقش گردشگری فرهنگی در حفاظت از میراث‌های ارزشمند، گسترش روابط بین‌المللی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی ساکنان است که مهم‌ترین اهداف ارتقای جذابیت گردشگری فرهنگی در بافت‌های تاریخی را می‌توان به صورت زیر (جدول ۱) خلاصه کرد:

جدول (۱) : ارائه اهداف آرمانی کاربردی در بافتهای تاریخی منطبق با اصول گردشگری

اهداف آرمانی	اهداف خرد آرمانی
حفظ و تقویت بستر تاریخی و هویت گردشگری بافت	<ul style="list-style-type: none"> • حداکثر بهره برداری از عناصر تاریخی، باززنده سازی هویت تاریخی محله • برقراری پیوند میان عناصر تاریخی درون محله و عرصه‌های گردشگری پیرامونی • باززنده سازی هویت تاریخی محله
ایجاد محیطی زیبا و مطبوع و هویت‌مند	<ul style="list-style-type: none"> • حفظ و ارتقاء حس تعلق به مکان • ارتقاء جایگاه فضای سبز در توسعه کالبدی-فضایی محدوده • ساماندهی زمین‌های رها شده
ارتقای کیفیت و راحتی زندگی بهره برداران	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد محیطی ایمن و دارای امنیت برای حضور فعالانه ساکنین و گردشگران • توسعه فعالیت‌های مشوق گردشگری-تفریحی • پویایی و سرزندگی حیات اجتماعی، ضمن حفظ جریان زندگی روزمره
برقراری پایداری زیست محیطی	<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از گونه‌های معماری همساز با اقلیم در طراحی فرصت‌های توسعه • بهسازی زیرساخت‌های آلوده کننده و کاهش آلودگی‌های زیست محیطی • استفاده از الگوهای معماری انرژی-کارآمد
تشویق مشارکت اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> • توجه به سرمایه‌های اجتماعی بعنوان پشتیبان پروژه • تقویت واحدهای همسایگی و ساختار اجتماعی و فرهنگی محله • استفاده از مشارکت شهروندان در کلیه مراحل بهسازی و تجدید حیات محله
رونق اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> • انطباق پیشنهادات توسعه با پتانسیل‌ها و فرصت‌های موجود • افزایش فرصت‌های شغلی • جذب سرمایه خصوصی

(مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۹)

در واقع، بازآفرینی فرهنگی به کاربران و عاملان ذی‌المنفع و ذی‌النفوذ اهمیت خاصی می‌دهد و در تجدید حیات زیرساخت‌های کهن، شکل‌دهی مجدد بافت‌های شهری، و نو شدن جریان‌های اقتصادی، از سرمایه‌های اجتماعی محلی سود می‌برد و از گردشگران و پتانسیل گردشگری به عنوان نیروی محرکه بازآفرینی استفاده می‌کند. (تقوایی، ۱۳۸۷) در این زمینه، (آشورت و توبریج)^۱ به منافع استفاده از منابع فرهنگی با حفظ کیفیت اشاره دارند. این امر در مقیاس خرد به اهمیت محیط اطراف آثار تاریخی و یادمانی در حفظ کیفیت آن‌ها و در مقیاس کلان به هویت و سیمای شهرهای تاریخی و مراکز تاریخی شهرها توجه

^۱ Ashworth, G. J. , Tunbridge, J. E.

دارد. تأثیر میراث فرهنگی (ابنیه بافت) بر تمامی فرآیندهایی است که شهر درگیر آن است؛ برای مثال، نحوه شکل‌گیری هسته قدیمی شهر و تکامل تدریجی آن به فرآیندها و ارزش‌های تاریخی بستگی دارند که باید در تمامی مراحل حفاظت و بازآفرینی مورد توجه قرار گیرند. تاریخ دارای ارزش تجربی بسیار مهمی است، حس محلی را در اجتماع تقویت می‌کند، هویت متمایزی به شهر و ساکنانش می‌دهد، و گردشگران را به سوی خود جلب کند. در سال‌های اخیر، رویکردهای متفاوتی برای برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری سایت‌های تاریخی شهرها به کار برده شده است که هر کدام از تفاوت‌هایی در معیارهای انتخاب ابزار، اهداف و حتی حامیان خود برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد هیچ مدل اجرایی و برنامه‌ریزی واحدی نمی‌توان برای چنین شهرهایی پیش‌بینی کرد. در اینجا براساس رویکردهای سه‌گانه آشورث و تنبریج در بافت‌های تاریخی جدول (۲) تهیه شده است.

جدول (۲): رویکردهای بازآفرینی فرهنگی

تولیدات میراثی	صنایع دستی	بازاریابی	استفاده‌کنندگان	حفاظت از مشاغل سنتی، درآمدزایی
مرمت	ساختمان‌ها و سایت‌های تاریخی	کیفیت و قدمت سایت یا بنا	متخصصان مرمت ابنیه	بقای ساختمان، حفاظت از میراث
حفاظت و احیا	فضاها، رویدادها	نقشه‌های فضایی، کیفیت و قدمت بافت	طراحان شهری	حفاظت و احیای بافت‌های تاریخی، احیای فرهنگ

(مأخذ: امین زاده، ۱۳۹۱)

کاربرد هر یک از رویکردهای فوق به ویژگی‌های مکانی، ساختار فضایی، و خصوصیات جامعه محلی آن وابسته است. در بسیاری از موارد، هر سه رویکرد به طور هم‌زمان به کار گرفته می‌شوند. با این حال، با توجه به موضوع تحقیق در اینجا تنها به رویکرد حفاظت و احیای بافت پرداخته می‌شود و راهبردهایی که سبب ارتقای هم‌زمان بازآفرینی فرهنگی و گردشگری شهری در این رویکرد می‌شود، به تفکیک موضوعات اقتصادی/اجتماعی، کالبدی/عملکردی، و معنایی، هویتی به شرح جدول (۳) در زیر ارائه می‌گردد:

جدول (۳): راهبردهای حفاظت و احیا در تعامل بین بازآفرینی و گردشگری فرهنگی

رهیافت کالبدی-فیزیکی
۱. مقاوم سازی و استاندارد سازی مصالح به کار رفته در استخوان‌بندی اصلی و کهن شهر. ۲. ایجاد هماهنگی میان عناصر کالبدی تاریخی و تغییر بناهای متروکه و مخروبه به مجموعه‌هایی با نیازهای معاصر ساکنان و گردشگران، تداوم، ارتباط و اتصال میان فضاها گسسته بافت به منظور ایجاد وحدت فضایی در بافت تاریخی. ۳. تلاش در جهت بهبود خدمات در راستای توجه به ارتقای جاذبه‌های گردشگری از طریق پیوند سه عنصر گردشگر، مکان‌های تاریخی و جذابیت‌های گردشگری طبیعی.

<p>۱. وجود آثار باارزش تاریخی همچون آرامگاه حمدالله مستوفی و مسجد مدرسه حیدریه، قرار داشتن خیابان سپه به عنوان قدیمیترین خیابان طراحی شده در ایران در این محدوده</p> <p>۲. استفاده از نمادها و نشانه‌های عملکردی و کالبدی جهت تداعی هویت تاریخی بافت.</p> <p>۳. شناسایی بستر شهری (بافت تاریخی) در گردشگری فرهنگی شهری به عنوان مکانی جهت تبلور کالبدی عوامل جاذب گردشگری (میراث فرهنگی) و توجه به حرمت مکانها و مراسم و سنتها</p>	<p>رهیافت تاریخی-هوبنی</p>
<p>۱. توجه به حفظ و احیاء ساختار اجتماعی بافت و ارزیابی راهبردها و سیاستها با مشارکت دو سویه</p> <p>۲. کنترل آسیبهای اجتماعی و تأمین امنیت اجتماعی در بافتهای تاریخی و افزایش ظرفیت بازآفرینی و حفاظت شهری از طریق تشویق استفاده اقتصادی مؤثر در بناهای تاریخی.</p> <p>۳. ارتقای سطح زندگی مطلوب اقتصادی و فراهم آوردن امکانات مناسب فرهنگی - آموزشی برای ساکنان و تلاش در جهت استقرار زیرساختهای اقتصادی به منظور افزایش اشتغال و کاهش فقر در محلات تاریخی</p>	<p>رهیافت اجتماعی-اقتصادی</p>

(مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۹)

۶-۳- بافت تاریخی و هسته مرکزی شهر مینودر

بررسی محیط تاریخی و شناخت پدیده‌ها در فرایند تاریخیشان از سویی زمینه درک درست از چرایی وضع موجود را فراهم آورده و از سویی دیگر به تخمین مناسب دگرگونیهای آتی یاری می‌رساند. شناخت ساختار و استخوان‌بندی فضایی و کالبدی بافت تاریخی شهر مینودر به عنوان مکان و بستر کاربست یافته‌های پژوهش ضروری است، زیرا در بسیاری از شهرهای تاریخی ایران از جمله مینودر، علی‌رغم وجود بافت تاریخی غنی و توان و جاذبه‌های گردشگری فرهنگی، شهر حداقل گردشگران را تجربه می‌نماید و با مشکلات بسیار در بافت فرسوده و تاریخی خود روبه‌روست. همانطور که در تصویر (شماره ۲) ملاحظه می‌کنید شهر مینودر دارای میراث غنی و پیشینه تاریخی طولانی‌ای است.



تصویر (۲): گزیده‌ای از بناهای تاریخی شهر مینودر مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی مینودر

مطالعه روند تاریخی توسعه شهر مینودر (تصویر ۳) نشان می‌دهد که با دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر، بافت محلات هم دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند. بیشترین دخالت‌های کالبدی در اثر خیابان‌کشی‌های بعد از دوران قاجار (شروع پهلوی اول) بوده که منجر به گسست پیوستگی فضایی میان محلات و مراکز تاریخی شده است. نقشه ۱۹۱۹ میلادی، اولین نقشه و عکس هوایی قبل از خیابان‌کشی‌های دوران پهلوی اول است که ساختار کالبدی و فضایی محلات و گذرهای اصلی در آن دیده می‌شود. حدود ۱۱ درصد وسعت شهر مینودر فعلی به محدوده تاریخی شهر اختصاص دارد. این محدوده که در تصویر (۴) نشان داده شده است، شامل بخش میانی بافت شهر بوده و توسعه شهر از دوران صفوی تا اولین اقدامات شهرسازانه رضاشاهی را دربرمی‌گیرد. محدوده تاریخی شهر دربرگیرنده اغلب آثار تاریخی شهر مینودر از جمله بازار، مساجد، مدارس، سراها و کاروانسراهاست. شواهد و مدارک موجود، سیمای عمومی شهر قزوین و وجود آثار تاریخی متعلق به دوره‌های مختلف، گویای این امر است که شهر مینودر همواره در طول تاریخ رونق داشته و مرکز سکونتگاهی معتبری بوده است. وجود آثار ارزنده تاریخی باقی‌مانده از ادوار مختلف تاریخی و سازمان فضایی شهر (تصویر ۵)، جاذبه‌های گردشگری شهر را افزایش داده است.



تصویر (۳) : روند شکل‌گیری شهر مینودر در طول تاریخ، (ماخذ، آرشیو سازمان میراث فرهنگی مینودر)



تصویر (۴) : نقشه توسعه شهر قزوین (طرح محیط پایدار، ۱۳۸۴) تصویر (۵) : نقشه سازمان فضایی شهر مینودر و بافت تاریخی (ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی مینودر)

۶-۴- بررسی اسناد و طرح‌های فرادست در رابطه با بافت تاریخی شهر مینودر

در این بخش از پژوهش، اسناد رسمی قابل دسترسی مربوط به شهر مینودر به منظور آشنایی با چشم‌اندازها، اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌های تدوین شده در طرح‌های مذکور که بر طرح حاضر تأثیرگذار

هستند، بررسی شده‌اند تا در تدوین چشم‌انداز مقدماتی مدنظر قرار بگیرند. با توجه به اسناد توسعه‌ای فرادست شامل سند ملی توسعه استان قزوین، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و استان قزوین، طرح جامع گردشگری استان قزوین، طرح توسعه استان قزوین، طرح جامع شهر مینودر (۱۳۶۹)، طرح جامع در دست تهیه شهر مینودر، طرح راهبردی تفصیلی ویژه و طراحی شهری بافت مسئله‌دار (۱۳۸۴) مشخص می‌شود که رویکرد تلفیقی گردشگری و احیای بافت فرسوده در این طرح‌ها مورد توجه نبوده است؛ تنها در طرح جامع گردشگری استان، اشارات کوتاهی به بافت‌های تاریخی میراثی به قرار زیر شده است:

- کشف و برجسته‌سازی ارزش‌های تاریخی، قومی و فرهنگی شهر مینودر.
- توجه و تمرکز به شبکه دسترسی به عنوان بخشی از جاذبه‌ها و احیای راه‌های قدیمی و تاریخی.

۷- تدوین راهکارهای بازآفرینی فرهنگی و کالبدی در بافت تاریخی

در این الگو کارکردهای فرهنگی خود را به عنوان جزئی از راهبردهای توسعه‌ای شناسانده و فعالیت‌های فرهنگی کاملاً با استراتژی یک ناحیه در کنار دیگر فعالیتها در حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ادغام شده است. در حقیقت در چارچوب نگاه سه گانه زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی، به توسعه، فرهنگ می‌تواند نیرویی در جهت درگیر ساختن، یا ارتقاء هر کدام از این عوامل باشد، و موجب رونق اقتصادی، سرزندگی اجتماعی و برقراری کیفیت زیست محیطی گردد. به این ترتیب، می‌توان از نوعی سیاست‌گذاری فرهنگی در برنامه‌های شهری نام برد که با برنامه‌ریزی فرهنگی قرابت بسیاری پیدا می‌کند.

- ❖ حفظ و احیای مراسم و جشن‌های سنتی مینودر و فرهنگ‌سازی مراسم‌های سنتی مختص شهر قزوین از قبیل (مراسم پنجاه بدر، جشن فندق‌چینی و...) در جذب گردشگران داخلی و خارجی.
- ❖ برگزاری رویدادهای فرهنگی مهم از نمایشگاه‌های فصلی و سنتی، جشن‌های مختص کودکان در فضاهای مرمت و احیا، شده تاریخی به منظور آشنایی و فرهنگ‌سازی برای کودکان و نوجوانان.
- ❖ استقرار بخشی از محصولات صنایع دستی و مایحتاج اصلی شهر در مکان‌های تاریخی.
- ❖ ایجاد کاربری‌های فرهنگی مانند تئاتر، کتابخانه، سالن کنسرت، فرهنگسرا و نمایشگاه و پیش‌بینی جشن‌ها و مراسم و نمایشگاه‌های موقت برای فراهم آوردن انگیزه برای مشارکت گروه‌هایی از مردم و ارتقای فرهنگ گردشگری در بافت.
- ❖ ایجاد بخش‌های ویژه طراحی شهری مشارکتی در جهت افزایش مشارکت ساکنان و گردشگران در طرح‌ها از طریق جشنواره‌های هنری و فرهنگی.
- ❖ تأکید بر جاذبه‌های میراث فرهنگی شهر شامل عناصر مصنوع (ابنیه و بافت تاریخی) و عناصر طبیعی (باغات، لکه‌ها و مسیرهای سبز) از طریق گردهمایی، مراسم و نمایشگاه‌های ادواری، فصلی و سالانه در این مکان‌های جاذب گردشگر.

- ❖ توسعه فضای سبز در درون بافت با استفاده از سطح فضاهای خالی و ابنیه تخریبی بافت.
- ❖ اصلاح و بهبود وضعیت شبکه‌های معابر داخل بافتهای فرسوده
- ❖ توجه به حفظ و احیاء ساختار اجتماعی بافت تاریخی (خانواده، گروه‌های اجتماعی و...) و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌ها.

- ❖ مساعدت‌های مالی و اقتصادی به منظور ساماندهی و مقاوم سازی بافت‌های تاریخی از طریق اعطای وام‌های بلند مدت و کم بهره.
- ❖ شناسایی عناصر ارزشمند در بافت به منظور زنده کردن تصویر ذهنی گذشته و اعاده هویت تاریخی و فرهنگی بافت.

۸- نتیجه‌گیری

در سیر تحول مرمت شهری در دهه‌های اخیر، سرانجام این جریان را به سازماندهی و تجمیع اقدامات خود در چارچوب بازآفرینی شهری رسانده است. برای معاصر سازی بافت‌های تاریخی، باید علاوه بر پاسخ‌گویی نیازهای مردم، رجوع معنی‌داری به هویت تاریخی بافت شود. یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر به عنوان ابزاری برای بازآفرینی بافت‌های تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است، گردشگری فرهنگی شهری است. این رویکرد، راهی برای احیا و بهبود کیفیت زندگی شهری از طریق بهبود و توسعه خصوصیات ویژه تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی مکان است. در بازآفرینی فرهنگی نیز کاربری‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در بافت‌های تاریخی، سبب توسعه و احیای فرهنگ خواهد شد. در مجموع بازآفرینی با هدف ارتقای گردشگری فرهنگی، می‌تواند از راه‌های متعددی به نوسازی اجتماعی و کالبدی بافت‌های تاریخی کمک کند، با جلب سرمایه‌گذاری در رشد و توسعه اقتصاد محلی سهم داشته باشد، تغییراتی در نحوه مدیریت بافت‌های تاریخی ایجاد کند، پویایی و حیات مدنی را به بافت‌های تاریخی برگرداند و منظری از شهر را که نتیجه تعامل بین زمان، فرهنگ، اجتماع و کالبد است، به وجود آورد. با استفاده از این رویکرد، تعامل بین بازآفرینی و گردشگری از یک سوء و حفاظت و توسعه از سویی دیگر ایجاد خواهد شد. بنابراین، سه راهبردی که در قالب همین دیدگاه در نتیجه تحقیق، بالاترین اولویت را برای احیای بافت تاریخی مینودر دارد عبارت‌اند از:

- ❖ تبدیل بناهای تاریخی به مکان‌های مورد استفاده گردشگران (هتل، رستوران و موزه)؛
- ❖ تغییر ترکیب فعالیتی محدوده و جایگزینی فعالیت‌های گردشگری و پذیرایی؛
- ❖ ساماندهی فعالیتی بازار و بازسازی بازارچه‌ها، بالاترین اولویت برای احیای بافت تاریخی با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا را دارند.

منابع و مأخذ:

۱. ابلقی، علیرضا، (۱۳۸۰)، بافت تاریخی - حفاظت مرمت، بهسازی یا نوسازی، مجله هفت شهر سال دوم، شماره ۴.
۲. امین زاده، بهناز، دادرس، راحله، (۱۳۹۱)، ارائه اصول و راهکارهای طراحی مرکزی شهر قزوین، تهران.
۳. پور احمد، احمد و علی شمعی، (۱۳۸۹)، بررسی رویکرد حاکم در ساماندهی بافتهای قدیم شهری ایران انجمن جغرافیای ایران.
۴. تقوایی، محمد، اکبری، (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری شهری، اصفهان، پیام علوی.
۵. رهنما، محمد رضا، (۱۳۸۸)، اثرات اجرای طرحهای بهسازی و نوسازی مرکز شهر مشهد بر محله پایین خیابان، جغرافیا و توسعه، شماره ششم، پیاپی ۱۱، زاهدان.
۶. زارع اشکذری، محمد، سقایی، محسن، موسوی، میر نجف، مختاری، رضا، (۱۳۹۴)، عوامل موثر بر توسعه گردشگری فرهنگی با رویکرد جذب گردشگران خارجی، دانشگاه اورمیه، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. شبانی، امیرحسین و محمد سعید ایزدی، (۱۳۹۳)، رویکردی نوین به بازآفرینی شهر خلاق، نقش جهان مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، دوره ۴، شماره ۲، صفحه ۵۴-۶۳.
۸. فدایی نژاد، سمیه، حناچی، پیروز، (۱۳۹۱)، تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت فرهنگی - تاریخی، نشریه هنرهای زیبا شماره ۴.
۹. فرجی ملائی، امین، (۱۳۸۹)، انواع روش‌های مداخله در بهسازی و نوسازی شهری، محورهای اصلی بهسازی نوسازی بافت فرسوده، دوره ۱، شماره ۵۵، صص ۱۰-۱۷.
۱۰. لطفی، سهند، (۱۳۹۰)، بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و گنش بازآفرینی، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۳، شماره ۴۵، صص ۴۹-۶۲.
۱۱. مهندسین مشاور نقش محیط، (۱۳۸۴)، طرح جامعه شهر قزوین.
۱۲. مهندسین مشاور طرح محیط پایدار، (۱۳۸۴)، طرح راهبردی تفصیلی ویژه و طراحی شهری بافت فرسوده (مسئله‌دار)، شهر قزوین، تهران: مهندسین مشاور طرح محیط پایدار.
۱۳. نیک نیا، محمد، (۱۳۹۰)، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری راهبردی به سوی دستیابی به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده کوی سجادیه)، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۵.
۱۴. ولیامز، ریموند، (۱۳۹۶)، جامعه شناسی فرهنگ، ترجمه: حسن چاوشیان، پژوهشکده فرهنگ و هنر ارتباطات.

15. Amin, A., Massey, D., and Thrift, N., 2000, *Cities for the Many not the Few*, Bristol: The Policy Press.
16. Amin, A., and Thrift, N., 2002, *Cities: Re-imagining the Urban*, Cambridge: The Polity Press.
17. Ashworth, G. J. ,Tunbridge, J. E. , (2000), *The Tourist , Historic City Respect & Prospect of managing the heritage city*, Pergamon, RYAN & PAGE, Oxford.

18. Bird, J. ,Curtis, B. ,Putnam, T. , Robertson, G. andTickner,. L (eds) (1993), Making the Futures: Local Cultures, Global Changes, London and New York: Routledge.
19. Bianchini, F. and Parkinson, M. (1993), Cultural Policy and Urban Regeneration: The WesternEuropean Experience, Manchester: Manchester University Press.
20. Burgel, G. (2000), Lavilleaujourd'huri, paris: Hachette, Pluriel.
21. Couch,cfraser.(1993)urban regeneration and sustainable.
22. Kearns, G. and Philo, C. (eds) (1993), Selling Places: The Pastas Cultural Capital Past and Present. Oxford: Pergamon Press.
23. Lichfield, D.,(2000) The Context of Urban Regeneration,in Urban Regeneration. Sage Publications Ltd.
24. Landry,Ch. (1995), The Art of Regeneration: Urban Renewal Through Cultural Activity, Demos.
25. Middleton,C. and Freestone, P. (2008), The Impact of Culture , led Regeneration on Regional Identity in North East England, Prague, Czech Repuplic.
26. Montgomery, J. (1998), Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design, Journal of UrbanDesign,3, pp. 93 116-.
27. Pearce, G. D, (2001), An Intergrative frame Work for Urban Research, Annals of Tourism Research, vol:28, No. 4, pp. 926 948),, Pergamone, Britan.
28. Roberts, Peter W. & Huge skyes, (2003), Urban Regeneration: handbook, London, sage.
29. Smith, M. (2007), Tourism, Culture and Regeneration, UK, Oxford, Cabi Press.